



۲۰۲۰/۰۵/۲۴

ولی احمد نوری

## هلال عید یا ابروی دلبران



این شعر در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی/۱۹۷۲ میلادی زمانی که فاجعه قحطی در افغانستان بیداد می کرد از طبع سرشار مرحوم محمد یونس قلندر زاده سروده شده است. و من آنرا از صفحه ۷۷ کلیات اشعارش که به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۰۴م از ایالت کلیفورنیا به این کمترین اهدا نموده بودند، انتخاب، تایپ و آماده ساخته و منحیث تحفه ناچیزی به همه هموطنان عزیزم اهداء می کنم. روان شاعر رحمت شده را آرام و یاد شانرا گرمی میدارم. ولی احمد نوری

امشب هلال عید چو ابروی دلبران  
پیران پارسا و جوانان روزه دار  
سقف سپهر چشمک سیارگان او  
شب را به پیچ و تاب تخیل کند سحر  
بر روی میز مردم پولدار چیده اند  
بزمی پر از طراوت و ساقی لاله رخ  
یکسر صدای نغمه بلند است از رباب  
دهلیز گشته پر ز غبار دخانیات  
سر بر کشید از افق همچو پرنیان  
دست دعا کشید همه سوی آسمان  
دل می کند خراب ز عشاق ناتوان  
از بهر صبح و بوس و کنار و غم میان  
چپس و کباب، میوه و مشروب و سیمیان  
رقصیده میدهند می ناب هر زمان  
یکسو هوس جهیده ز چشمان دختران  
لرزان شدست پای زنان همچو ماهیان

وا حسرتا که مردم بیچاره روز عید

در بادغیس و غور و بدخشان و چخچران

از درد و ناتوانی و فرط گرسنگی

۲ از ۱

داده زدست گوهر خود را به قرض نان

همچون درخت خشک همه غافل جشن و عید

نه در بهار زنده شوند و نه در خزان

پادشاه و صدراعظم و ارکان نامدار	خندان و شاد جمله و کیلان پارلمان
والی و حاکمان و قوماندان امنیه	با قاضی و محرر و مستوفی جوان
خوراک داخلی و خورش های خارجی	بنهاده اند سلاد به انواع، بروی خوان

بنگر به چشم و حسرت و انصاف، ای عزیز

در چخچران گوشت سگان خورده مردمان

«یونس» مگو تو شعر تراژیک روز عید

بهتر بؤد سخن به تقاضای هر زمان



هلال عید یا ابروی دلبران

[Walinouri\\_helaal\\_e\\_ide\\_feter.pdf](#)